

هشتم خردادماه بود که رهبر معظم انقلاب در دیدار رمضانی با استادان و اعضای هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها در بخشی از سخنان خود ضمن تجلیل از جایگاه برجسته و ممتاز اساتید، دانشمندان، متخصصان و کارشناسان ایرانی، به فعالیت جریانی داخلی با سرمنشأ خارجی اشاره کردند که به دنبال ارزش‌های ناسازمان‌ها و با کوچک شمردن حرکت علمی کشور و پیشرفت‌های به‌دست آمده و در نهایت ناامید ساختن جوانان و عموم مردم هستند. ایشان با تأکید بر سازمان‌یافته بودن این جریان اظهار داشتند: «یک نمونه از این جریان، «پروژه ۲۰۴۰ دانشگاه استنفورد برای ایران» است که هدف آن، زیر سؤال بردن پیشرفت‌های علمی و دانشگاهی است و متأسفانه عده‌ای هم در داخل در حرکتی مرکب از خبیثت و خبیثت با آنها هم‌صدایی می‌کنند».

پروژه‌ای با ادعای عجیب

استفاده از دانشمندان تبعیدی!

پروژه «ایران ۲۰۴۰ استنفورد» که از سال ۲۰۱۶ به با هدف اعلامی «تحقیق در زمینه موضوعات مربوط به آینده اقتصاد ایران و بررسی پیامدهای احتمالی آن

«ایران ۲۰۴۰»؛ نفوذ به سبک «استنفورد» و «امپریا کالج»

برنامه ملی سازگاری با کم آبی در ایران بهبشتیان مسگران، محسن
 ایران منابع آب کشاورزی تامین آب آب کشاورزی مصرف کشاورزی و دولت امنیت غذایی مواد غذایی مدیریت
عنوان اصلی: <i>A national adaptation plan for water scarcity in Iran/2018</i>
کتابنامه: ص. ۲0 – ۲۶
سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات
آزادی، بویا
رستم‌آبادی سفلی، الهام، مترجم
سازمان برنامه و بودجه کشور، امور اقتصاد مقاومتی و شورای اقتصاد

شورای اقتصاد مقاومتی سازمان برنامه و بودجه **علی‌رغم** **مشارکت‌سپاری** از **کارشناسان حوزه امنیت غذایی و کشاورزی مبنی بر تردید درباره انگاره «جران کم‌آبی»**، گزارش **محسن مسگران**، از اعضای اصلی پروژه «ایران ۲۰۴۰» را به عنوان **برنامه ملی منتشر کرد**!

در یک زمینه جهانی «شروع به فعالیت کرده است، بخشی از پروژه بلندمدت دانشگاه استنفورد در حوزه ایران‌شناسی است.
سویات این پروژه، با اذعان به طرح بلندمدت این دانشگاه در حوزه مطالعات ایران، هدف اصلی خود را مدیریت تحقیقات کف در زمینه گسترده‌ای از مسائل مربوط به توسعه اقتصادی ایران در بلندمدت و برای پیش‌بینی آینده کشور در شرایط مختلف، معرفی کرده است. مسئولان این پروژه نیز بارها تأکید کرده‌اند که حوزه فعالیت این پروژه چندوجهی بوده و شامل اقتصاد، جمعیت، انرژی، آب، کشاورزی، و سیستم مالی است.
علی‌رغم سیاست سلب مسئولیت که بارها در وب‌سایت پروژه مورد تأکید قرار گرفته و تأکید شده است که مشارکت‌کنندگان تنها بر اساس مهارت‌های تحقیقاتی خود انتخاب می‌شوند و این مرکز از دیدگاه‌های سیاسی و مشارکت‌کنندگان خود آگاهی ندارد و مسئولان این پروژه در قبال دیدگاه‌های سیاسی شرکت‌کنندگان یا وابستگی مسئولیتی ندارند، اما دو نکته مهم وجود دارد که چنین ادعایی را به چالش می‌کشد.
از سوی مرکز مطالعات ایران در دانشگاه استنفورد، خود را موقف به رعایت کامل مقررات تحریم تجاری ایالات متحده و همکاری با اداره کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری می‌داند و از سوی دیگر در ادعایی عجیب، همکاران ایرانی این پروژه را دانشمندان و محققان تبعیدی از سوی جمهوری اسلامی ایران معرفی کرده و تأکید می‌کند که این افراد تنها به دلیل مقاومت علمی در برابر ادعاهای مسئولان ایرانی مجبور به ترک وطن شده‌اند. موضوعی که در ادامه و با شناخت ماهیت فعالیت این مرکز و نتایج حاصلی از پروژه «ایران ۲۰۴۰ استنفورد» دلیل آن آشکار خواهد شد.

«عباس میلانی» پدر پروژه ضدایرانی

دانشگاه استنفورد

خیلی‌ها در عباس میلانی را با دو کتاب «گاهی به شاه» و «همعای هویدا» می‌شناسند؛ کتاب‌هایی که با نگاهی مبدلانه به رژیم پهلوی سعی دارد چهره‌ای نو از شاه و عوامل رژیم شاهنشاهی به‌مخاطب ارائه دهد. اما وجه مورخ بی‌طرفی تنها پوشش است برای مخفی نگاهداشتن سلسله‌ای فن در پروژه‌های امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران.

در دی‌ماه ۱۳۸۸، این موسسه را در کنار ۵۹ اندیشکده و نهاد خارجی وابسته به سازمان‌های جاسوسی ایالات متحده که وظیفه طراحی و اجرای براندازی نرم علیه کشورمان را دارند، غیرقانونی معرفی و هرگونه همکاری با آن را ممنوع اعلام کرد.

عباس میلانی با سابقه فعالیت در چنین موسسه‌ای به‌ عنوان مدیر برنامه «ایران ۲۰۴۰» آغاز به کار کرد و دانشجویانی از جمله کاوه مدنی (امپریال کالج)، پویا آزادی (استنفورد)، امین فیض‌پور (هاروارد)، صدرا ساده دانشگاه استنفورد سال‌هاست مطالعات میان‌رشته‌ای (امپریال کالج)، محسن مسگران (استنفورد)، متین میررمضانی (استنفورد)، حسین هاشمی (استنفورد) و فرزانه رودی (جرج تاون و مدیر سابق برنامه خاورمیانه و شمال آفریقای دفتر مرجع جمعیتی آمریکا) را تحت هدایت خود قرار داد.

این دانشجویان هرکدام در یک حوزه تخصصی فعالیت می‌کردند و از این طریق توانستند در مجامع علمی مرتبط با مسائل ایران برای خود جایگاه به دست آورند، به عنوان مثال پویا آزادی و کاوه مدنی در حوزه میلسوویچ که با نام «انقلاب پولدوژری» مشهور شد،

«سعيد درویشی

مهران سهرایی پژوهش‌هایی با موضوع ذخایر نفتی ایران انجام داده‌اند.

دانشجویان استنفورد،

مشاوران وزارت‌خانه‌های ایرانی!

بعد از روی کار آمدن دولت یازدهم، آرام‌آرام پای اعضای پروژه «ایران ۲۰۴۰ استنفورد» به ایران باز شد. کاوه مدنی اواخر شهریور ۱۳۹۶ با حکم عیسی کلانتری به عنوان معاون آموزش و پژوهش سازمان محیط زیست منصوب شد تا با تغییر عنوان این معاونت به معاونت اجتماعی، بین‌المللی، فناوری و آموزشی، به دنبال تقویت روابط بین‌المللی این سازمان با نهادهای جهانی باشد. همچنین پویا آزادی به عنوان کارشناس حوزه آب، در چند کنفرانس علمی داخل کشور با محوریت بحران کم‌آبی شرکت کرد.

نکته جالب اما از تباطؤ کاوه مدنی با نهادهای امنیتی غریبی است. او عضو برنامه هجری ه‌سات رایس» از زیرمجموعه‌های مراکز مطالعات ایران در مرکز مک‌میلان دانشگاه ییل است. مرکز مک‌میلان را چند تن از پهلودیان صهیونیست از قبیل «دیوید برون دیویس»، «ریچارد گیلدر» و «ولیس لرمن» ا‌اندازی کردند که هر سه از منتقدین جریان جمهوری‌خواهان صهیونیست آمریکا هستند و بخش عمده بورس‌ها و گرنت‌های این مرکز هم به اتباع رژیم صهیونیستی تعلق می‌گیرد. از این رو، مسئولان و دست‌اندرکاران و هیئت علمی این مرکز را عمدتاً پهلودیان تشکیل می‌دهند.
از دیگر اعضای این مرکز می‌توان به «عباس عدالت» کتاب ر‌اضعی اعلام‌شده چنین پروژه‌های امنیتی از سوی انتشارات این دانشگاه منتشر شد و بعد از آن گرجستان، اوکراین و قرقیزستان و در سال ۱۳۸۸، کشورمان به عنوان اهداف بعدی مورد هدف قرار گرفتند که البته در ایران با شکست مواجه شدند.

اما عباس میلانی نه به عنوان استاد علوم سیاسی دانشگاه استنفورد، بلکه با عنوان سرپرست پروژه «هموکراسی ایران» در موسسه هورر با برنامه مطالعاتی

حمید و کریستین» فعالیت‌مقدمه شروع به همکاری کرد. این موسسه در سال ۱۹۱۹به عنوان اندیشکده سیاست‌گذاری عمومی تأسیس شده است. کاندولیزا رایس و دونالد رامسفلد هم از اعضای ارشد این نهاد هستند. بیشتر دلیل است که عباس میلانی در حوزه ایران در قالب در پروژه «هموکراسی ایران» متمرکز شده است.

براساس خلاصه پروژه منتشر شده در سایت رسمی این موسسه، هدف این پروژه به‌وجود آوردن درکی از روند و چشم‌انداز دموکراسی در ایران، کمک به غرب برای انتقال دموکراسی به غرب آسیا و شناسایی، تحلیل و ارائه گزینه‌های تصمیم‌سازی درباره موانع موجود برای انتقال دموکراتیک و راه‌های از بین‌بردن این موانع و افزایش به‌عنوان اولین کشور در منطقه انتخاب شده است. این پروژه توسط عباس میلانی، لری دایموند و مایکل مک‌فول هدایت می‌شود، گروهی که تفکر آن‌ها ظاهراً بر اساس تعامل با جمهوری اسلامی است. لری دایموند و مایکل مک‌فول همواره تأکید دارند که جرج بوش پسرانشبه کرد که با ایران گفتگو نکرد، چون بهترین راه برای براندازی جمهوری اسلامی، تعامل است. به همین دلیل است که عباس میلانی آشکارا می‌گوید: «ایران تعامل کنید، ولی به قصد براندازی».

این موسسه چند سالی است که فعالیت‌های خود را بر روی مسایل فرهنگی متمرکز کرده است، برخی از فعالیت‌ها و سیاست‌های این موسسه در قبال ایران، شامل برگزاری کلاس‌ها، برنامه‌های آموزشی و تشکیل اتاق‌های فکر است که به‌وسيله جذب نیروهای ایرانی و فعالیت‌های مالی از رسانه‌ها و سایت‌های اینترنتی مانند سایت «نادر» که در حال انجام است.

این سابقه طولانی در پیمانکاری پروژه‌های امنیتی دولت آمریکا کافی بود تا معاونت خارجی وزارت اطلاعات

اجتماعی

Ejtemae @kayhan.ir


«ایمپریا کالج» و «استنفورد»

رهبر معظم انقلاب با اشاره به سرمایه‌گذاری سنگین دشمنان برای نفوذ فرهنگی و تغییر تدریجی باورهای مردم فرمودند: «بیگانگان به‌دنبال نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری و اگر نشد، نفوذ در مراکز تصمیم‌سازی هستند که در صورت تحقق این‌ن توطئه، جهت‌گیری‌ها، تصمیمات و حرکت عمومی کشور، بر اساس خواست و اراده بیگانگان، تنظیم و اجرایی خواهد‌شد.»

برای طراحی قطعنامه‌های علیه کشورمان به کار ببندند. اما جریان نفوذی «ایران ۲۰۴۰» توانسته است نفوذ سه مرحله‌ای داشته باشند:

در مرحله اول این جریان با استفاده از منابع داخلی به تولید گزارش‌های شبه‌علمی اقدام کردند و به‌مرور خود را به عنوان متخصص حوزه‌های استراتژیک معرفی کردند. این جریان با استفاده از نزدیکی با برخی مسئولان و نهادها توانستند به ساختار تصمیم‌سازی کشور نفوذ کرده و با استفاده از ظرفیت جریان رسانه‌ای همسو، برخی انگارهمعروف و نامعروف اقتصادی و اجتماعی همچون کم‌آبی، خودکفایی و سیاست‌های جمعیتی را به عنوان مشکلات اصلی کشور بدل کنند.

در ادامه نهایی این جریان توانست راحل‌های خود را در قالب اسناد ملی به حوزه‌های اجرایی تعمیم داده و در واقع بدون هیچ خطری، اهداف خود را با دست مسئولان و نهادهای تصمیم‌گیری در کشور پیاده کنند. جریانی آمریکایی- انگلیسی برای اثبات اشتباه بودن هر زبان فارسی ایجاد کرده است؛ استدلالی این حرف را مربوط به مدیریت منابع آب و دیگر مسائل همچون آبیاری است تا ایرانیان بتوانند از آن برای غلبه بر بحران کنونی آب در این کشور بهره ببرند!

استنفوردی‌ها، باز تولید «نمازی»‌ها با نقاب علم

محبذاقر و سیامک نمازی، پدر و پسری بودند که در دهه هفتاد و هشتاد شسمی توانستند با استفاده از رویکرد جدید برخی نهادها و وزارت‌خانه‌ها برای تعامل بیشتر با مجامع مالی و تجاری غرب، به عنوان کارشناس حوزه‌هایی همچون نفت و انرژی دارو و تجارت خارجی به درون ساختار تصمیم‌گیری کشور نفوذ کنند. بعد از فتنه ۸۸ بود که نتیجه این نفوذ در قالب قطعنامه ۱۹۲۱، به عنوان شدیدترین و پشتوانه بسیاری از قطعنامه‌های بعدی شورای امنیت سازمان ملل علیه کشورمان، خود را نشان داد و سبب شد تا کشور با مشکلات بسیار زیادی مواجه شود.

از جمله نقاط اشتراک نحوه نفوذ نمازی‌ها و فارغ‌التحصیلان استنفورد و امپریال کالج باید به نزدیکی آنها با مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری اشاره کرد، در جریان توانستند با پوشش تخصصی در حوزه‌های دارای مشکل کشور، به تصمیم‌گیران نزدیک شده و اهداف خود را پیاده کنند.
اما باید به همین‌مهم‌ترین تفاوت آنها هم دقت کرد، نمازی‌ها با نفوذ دو ده‌ای خود توانستند لیستی از مشکلات و نیازهای اقتصادی و اجتماعی را تهیه کرده و کشور مشغول بشوند!

سهم دولت در میزان ناکارآمدی شهرداری‌ها

با توجه به این ناهماهنگی‌ها بین سیستم تصمیم‌گیری شهری و سازمان اجرایی مانند شهرداری که در واقع هر کس ساز خود را می‌زند و به راه خود می‌رود طبیعی است که برای رفع مشکلات مانند ترافیک و آلودگی ه‌وانه تنها کار کارشناسی نمی‌شود بلکه اگر اتفاقی راحملی هم برای معضلی مانند آلودگی هوا پیدا شود به سختی می‌توان آن را به مرحله اجرا درآورد.

حال به این عدم هماهنگی‌ها باید مدع تأمین بودجه از سوی دولت را نیز اضافه کرد به صورتی که به گفته رئیس‌شورای شهر تهران در طول چند سالی که از عمر دولت فعلی می‌گذرد حتی یک اتوبوس هم به ناوگان حمل و نقل عمومی اضافه نشده است و این خود گویای نقش بسیار پررنگ دولت در عدم رفع مشکلات کلان شهرها می‌باشد، چرا که هماطور که بارها نوشتم و اعلام شد راحمل کلیدی مشکلاتی مانند ترافیک و آلودگی هوا و کاهش مصرف سوخت، گسترش و توسعه حمل و نقل ناوگان حمل و نقل عمومی نظیر مترو و اتوبوس می‌باشد، همچنین در این رابطه و در آخرین اظهار نظر، رئیس‌شورای اسلامی شهر تهران در نشست و چهارمین اجلاس مجمع شهروندی روسای شوراهای اسلامی کلان شهرها و مراکز استان‌ها در کرمانشاه به مصوبه شورای اقتصاد در ۹۶ و ۹۷ در خصوص تأمین واگ شهری و اتوبوس‌ها و مینی بوس‌ها اشاره کرد و گفت: بر اساس تصمیم شورای اقتصاد قرار بود در کلان شهرها و در راستای کاهش آلودگی هوا ۱۰ میلیارد دلار در بحث تأمین ۱۹ هزار اتوبوس، ۴۰ هزار مینی‌بوس و کامیون‌ها بین شهری تهاقم نامه‌ای در حضور رئیس‌جمهور با حضور چهار وزیر امضا شد. وزارت نفت، وزارت صمت و وزارت راه نیز متعهد شدند نسبت به تأمین تجهیزات متحرک از طریق ساخت داخل اقدام کنند. سهم تهران در این صوبه هزار و ان شهر، سه دلار است و پنج هزار مینی بوس است ولی این مصوبه شورای اقتصاد هم به نتیجه نرسیده است. حال آیا با وجود ناهماهنگی در مدیریت شهری و بی‌توجهی دولت به وظایف قانونی خود در قبال پایتخت، توقع رفع مریع مشکلات پایتخت، انتظاری منطقی است؟ مسیر خود را برود.



علی‌رغم انتظارات این ناهماهنگی‌ها شورا و شهرداری با مرور زمان نه تنها کاهش نیافت بلکه روزبه‌روز بیشتر هم شد تا جایی که هفته گذشته محسن هاشمی با اشاره به روزمرگی و کرختی حاکم در عملکرد اجرایی مدیران شهری، گفت: شهرداری تهران در بخش‌های مختلف از جمله طرح جامع پسماند، تأمین اتوبوس و مترو... عملکرد ضعیف را داشته است.

هاشمی در ادامه با فراتر می‌گذازد و با گرایش از اینکه شهرداری نسبت به برنامه‌های مصوب شورای یه توجه است، تصریح کرد:شورای شهر برنامه‌هایی را برای مدیریت شهری تصویب می‌کند اما مدیران شهرداری کمترین اهمیتی به این برنامه‌ها نمی‌دهند و کار خود را می‌کنند.

رئیس شورای شهر اظهارداشت: اگر مجریان یعنی مجموعه مدیران شهری این اولویت‌ها (اولویت‌های مشخص شده از سوی شورای شهر) را قبول دارند پس باید محض و اساس حرکت شهرداری در مسیر آن قرار بگیرد و همان روزمرگی و حرکت‌ها و تصمیمات گذشته به اسم برنامه جدید اجرا نشود و باید بخشی یا همه آن را قبول نازند، دلایل خود را برای عدم تغییر و اصلاح برنامه ارائه کردند تا ما بتوانیم به یک فهم و توافق مشترک در مورد اولویت‌های شهر برسیم و این‌گونه نشود که شورا سیاستگذاری خود را انجام دهد و در اجرا اتفاق دیگری بیفتد و شهرداری مسیر خود را برود.

صفحه ۸

سه‌شنبه ۱۲ آذر ۱۳۹۸

۶ ربیع الثانی ۱۴۴۱ – شماره ۲۳۳۴۵

تبیین لایه کاربری و حاکمیتی فضای مجازی با نگاه به سخنان رهبر انقلاب

رضا صفری

مطالبات و سخنان رهبر انقلاب درباره فضای مجازی آنچنان دقیق و کارشناسانه است که به جرأت و بدون اغراق می‌توان گفت که نه تنها در بین فضلا و بزرگان حوزه‌های علمیه، بلکه حتی در بین مسئولان اجرایی رده اول کشور نیز کسی را سراغ نداریم که این‌گونه بر این فضا احاطه داشته باشد. رهبری انقلاب در یک نگاه فراگیر، لایه حاکمیتی و مدیریتی را جدای از بحث کاربری می‌داند و درباره هرکدام از این حوزه‌ها، سخنانی هوشمندانه بیان داشته‌اند. اگر کسی به این نکته مهم توجه نکند، با یک تعارض بدوی در سخنان ایشان روبه‌رو شده و دچار خطایی راهبردی در مدیریت و استفاده از فضای مجازی خواهد شد.

لایه حاکمیتی و مدیریتی در فضای مجازی

لایه حاکمیتی در فضای مجازی، ناظر به مدیریت کلان و هدفمند است که کشور را از وابستگی، مستعمره و زیردست بودن نجات می‌دهد و در پی آن بسیاری از تهدیدات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی ... تا حدود زیادی دفع خواهد شد.

چند نمونه از مواردی که مقام معظم رهبری در ارتباط با حوزه حاکمیتی و مدیریتی فضای مجازی بیان فرموده‌اند را در راستای مطالبات ایشان قرار می‌گیرد:

ارتقای جمهوری اسلامی ایران به قدرت سایبری در تراز قدرت‌های تأثیرگذار جهانی و برخورداری از ابتکار عمل.

اهتمام ویژه به سالم‌سازی و حفظ امنیت همه‌جانبه فضای مجازی کشور و نیز حفظ حریم خصوصی آحاد جامعه.

مقابله مؤثر با نفوذ و دست‌اندازی بیگانگان در این عرصه.

احراز جایگاه و سهم مناسب برای اقتصاد دانش‌بنیان در فضای مجازی در چارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی کشور.

مواجهه فعال و مبتکرانه با فضای مجازی در سطح ملی و جهانی و توسعه آن به میزان آداگکی قطعی نظام (از نظر فنی و محتوایی) برای استفاده از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدات آن.

به حداقل رساندن اتکای کشور به کشورهای دیگر در استفاده از فضای مجازی و توابع آن در عرصه‌های فنی.

لزام سلب سلطه دشمن

ایشان درباره لزوم سلب سلطه دشمن می‌فرمایند:

«...اتفا سلطه دشمن را از این ابزارها بایستی سلب کرد. نمی‌توانید شما برای اینکه مثلاً فرمایید رادیو و تلویزیون داشته باشید، رادیو تلویزیونتان را بدهید در اختیار دشمن؛ اینترنت هم همین‌جور است. فضای مجازی هم همین‌جور است، دستگاه‌های اطلاعاتی و ابزارهای اطلاعاتی هم همین‌جور است، این‌ها را نمی‌شود در اختیار دشمن قرار داد، امروز در اختیار دشمن است؛ وسیله و ابزار نفوذ فرهنگی است؛ ابزار سلطه فرهنگی دشمن است.» (بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی(ره) ۱۳۹۵/۰۲/۱۶)

گله‌مندی نسبت به عدم راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات

ایشان در مورد شبکه اطلاعات بیان داشتند:

«یکی دیگر از چیزهایی که در مدیریت کشور – که بتوانید کشور را اداره کنید – تأثیر دارد، مسئله فضای مجازی است؛ فضای مجازی خیلی مهم است. در مسئله فضای مجازی، آنچه از همه مهم‌تر است، مسئله شبکه ملی اطلاعات است. متأسفانه در این زمینه کوتاهی شده، کاری که باید انجام بگیرد، انجام نگرفته؛ این اطوار نمی‌شود. اینکه ما به‌عنوان اینکه نباید جلوی فضای مجازی را گرفت، در این زمینه‌ها کوتاهی کنیم، این مسئولای را حل نمی‌کند و منطقی درستی هم نیست. خب امروز فضای مجازی مخصوص ما که نیست، همه دنیا درگیرند با فضای مجازی؛ کشورهایی که شبکه ملی اطلاعات درست کرده‌اند و فضای مجازی را آن کنترل کرده‌اند به نفع خودشان، به نفع ارزش‌های مورد نظر خودشان، یکی دو تا نیستند. بهترین کشورها، قوی‌ترین کشورها، در این زمینه‌ها قطعاً فرمز دارند؛ راه نمی‌دهند؛ خیلی از بخش‌های فضای مجازی اعزام‌شده از سوی آمریکا و دستگاه‌های پشت‌سر و پشت‌محنه این قضیه را در نمی‌دهند؛ کنترل می‌کنند. ما هم باید کنترل کنیم؛ این کنترل کردن معنایش این نیست که ما ملت را در فضای مجازی محروم کنیم؛ نه، معنایش این نیست. امروز بهمنی از کارهای درست و نادرست دارد روی سر ما. راجع اینترنت ما باید اطلاعات غلط، اطلاعات نادرست، اطلاعات مضر، شبه اطلاعات – بعضی چیزها اطلاعات واقعی نیست، اطلاع‌نمایی است – خب اینها دارد مثل یک بهمنی فرود می‌آید ما چار باید اجازه بدهیم این اتفاق بیفتد؛ ما چرا باید اجازه



بدهیم آن چیزهایی که برخلاف ارزش‌های ما است، برخلاف آن اصول مسلمّه ما است، برخلاف همان اجزا و عناصر اصلی هویت ملی ما است، به‌وسیله کسانی که بدخواه ما هستند، در داخل کشور توسعه پیدا کند؟ نه. کاری کنید که از منابع و سودها و بهرچه‌های فضای مجازی همه بتوانند استفاده کنند، سرعت اینترنت را افزایش هم بدهید – این کارهایی که باید انجام بگیرد، انجام بگیرد – اما در آن چیزهایی که به ضرر کشور شما، به ضرر جوان شما و به ضرر افکار عمومی شما نیست، اما در آن چیزهایی که به ضرر شما، به ضرر شما نیست، این کار باید انجام بگیرد. بنابراین، مسئله شبکه ملی اطلاعات هم خیلی مهم است.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۲/۰۲/۱۶)

لزوم بومی‌سازی سیستم عامل، موتور جست‌وجو و شبکه‌های اجتماعی لایه کاربری فضای مجازی

منظور از لایه کاربری فقط در دست گرفتن یک بخش کوچک از فضای مجازی موجود است که البته مدیریت و اراده آن در دست دیگران است. زیرا در فضای مجازی، این مدیریت و حاکمیت است که تعیین‌کننده دست برتر است نه مصرف‌کنندگی و کاربری قفل در این حوزه.

امروز می‌بینیم که با وجود غفلت، قهقچی و به یک‌م‌کرد در حوزه سرنوشت‌ساز مدیریت، مردم برای رفع نیازهای خود و نیروهای زبده جنگ نرم برای عقب نماندن از قافله، مجبور هستند که با باب ضرورت از همین فضای موجود برای پیشبرد مقاصد خود استفاده کنند. اما چنین چیزی به هیچ عنوان نمی‌تواند تأییدکننده فضای مجازی بله و راهی امروز باشد.

توجه به این نکته لازم است که ما با دو موضوع روبه‌رو هستیم:

۱- راه اندازه واقعی – نه نمایشی – شبکه ملی اطلاعات است؛ عرض‌اندام در برابر سایر رقبا در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات، در دست گرفتن واقعی فضای مجازی کشور.

۲- در نبود یک سیستم یکپارچه و پیشرفته داخلی، حضور هوشمندانه افراد تأثیرگذار- نه تأثیرپذیر- در فضای موجود.

توصیه‌های رهبری نسبت به حضور فعال، هوشمندانه و تأثیرپذیر در فضای مجازی، استفاده جیهه انقلاب از ظرفیت اینترنت و رسانه‌های ارتباطی نوین برای دفع شگفت و باسختگویی و همچنین بسط فرهنگ غنی ایرانی اسلامی ... به نوعی درمجموعه لایه‌های کاربری قرار می‌گیرند. اما آیا این توصیه‌ها نشان از این دارد که ایشان همه مختصات موجود در این فضا را پذیرفته‌اند؟

با نگاهی به مجموعه دیدگاه‌های رهبری به دست می‌آید که، اینترنت موجود و وضعیت فعلی فضای مجازی مورد رضایت سکان‌دار انقلاب اسلامی نیست. محتوای نامناسب، شبهات گسترده علیه مقدسات و ارزش‌های اسکان- ایرانی، سلطه دشمن در مدیریت و حاکمیت این فضا، از جمله آسیب‌ها و تهدیدهای وضعیت کنونی است که در کلمات ایشان بعضی از آنها به‌تصریح و بعضی دیگر با اشاره و کنایه مطرح شده است.

این موارد در کنار ده‌ها و صدها آسیب دیگر باعث شده فضای مجازی فعلی نه‌تنها مطلوب نبوده بلکه به هیچ عنوان قابل پذیرش نیست و لازم است بدون فوت وقت، شرایط مطلوب و قابل پذیرش بر فضای مجازی کشور حاکم شود. متأسفانه برخی از نیروهای دلسوز جریان انقلاب، بیش از آنکه به مطالبه اول ایشان که راهبردی‌تر و اساسی‌تر است توجه کنند، بر روی مطالبه دوم یعنی حوزه کاربری صرف تمرکز کرده و می‌گویند: مگر نمی‌بینید که رهبری انقلاب معتقدند که باید در این فضا حضور داشته باشید؟ در حالی که باید گفت کسی منکر حضور در این فضا نیست. ولی باید تأمل کنیم که آیا حضور ما، حضور استقراری است یا اضطراری؟

قطعاً به‌دلیل آماده نبودن شرایط و همچنین نگاه عقب‌افتاده وزارت ارتباطات و برخی از اعضای شورای عالی فضای مجازی نسبت به اینترنت و رسانه‌های نوین، نمی‌توانیم دست روی دسته گذاشته و نظاره‌گر همهجمله‌ای سنگین علیه مردم و کشورمان باشیم و مجبور و مضطر هستیم که از امکانات موجود استفاده کنیم، ولی باید بدین‌جه که جنگ در این شرایط جنگ در شرایط سخت است که بسیار پرفشار و کم‌هتر است و غفل و غرض‌اندیش نمی‌کند در صورتی که بتوان شرایط را عوض کرد، فضای شرایط سخت را برای جنگیدن انتخاب کنیم.

بنابراین این مقام معظم رهبری در ضمن توصیه به حضور تأثیرگذار در فضای مجازی، وضعیت موجود فضای مجازی را به هیچ عنوان قبول نداشته و از مجموعه‌های دانشگاهی و مسئولان بارها خواسته‌اند که به جهاد علمی کشورور را وابستگی در این فضا نجات دهند و با تسلط بر فناوری و ابتکار عمل، مدیریت و حاکمیت این فضا را به دست بگیرند.